

بازتاب غرب و مدرنیته در سفرنامه میرزا صالح شیرازی (تحلیل و نقد تاریخی جریان اصلاح فرهنگی در مواجهات ایران و غرب)

فرهاد زیویار^۱

استادیار پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۹



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادین جهان اسلام

چکیده

در تاریخ معاصر تلاش‌های اولیه جریان تجددگرا در گفتمان اصلاح فرهنگی به رموز موفقیت غربیان و الگو قرار دادن آن را می‌توان تحت تأثیر دو موضوع دانست از یک طرف موج روشنفکری در اروپا که شاخصه مهم آن علم باوری و تجربه‌گرایی بود و از طرف دیگر شکست ایرانیان در اولین مواجهه با غرب جدید (جنگ‌های ایران و روسیه) که می‌تواند به‌عنوان نقطه عطفی در اولین دریافت‌های پیشگامان گفتمان اصلاح فرهنگی از فرهنگ و مدرنیته غربی باشد که بازتاب این رویکرد در سفرنامه‌های ایرانیان اوایل دوره قاجار در مدخلیت و حضور غرب به‌صورت سیاسی و استعماری بیشتر معنا پیدا می‌کند. در این میان از نقش روشنفکران ایرانی که معمولاً غرب را از نزدیک درک کرده بودند نیز نباید به‌سادگی گذشت. به‌عنوان مثال اندیشه‌های مربوط به آزادی‌خواهی، دموکراسی، قانون اساسی و پارلمانتاریسم و حتی حیرت در مواجهه با ترقیات اروپا نخستین بار از طریق سفرنامه‌هایی چون سفرنامه میرزا صالح شیرازی به ایران منتقل شد.

موضوع سفرنامه نویسی به‌صورت عام و اثر مزبور به‌صورت خاص یک نقطه عطف در نحوه و مبادی نگرش روشنفکران نسل اول قلمداد می‌گردد، از این رو تمرکز و تحقیق در خصوص آرا و ایده‌های این سفرنامه‌نویس در برابر پیشرفت‌های شگرف غربیان و دستاوردهای علمی اروپا حائز اهمیت است. بنابراین علاوه بر ذکر مزیت‌هایی که این سفرنامه نسبت به سایر سفرنامه‌های هم‌دوره خود دارد؛ از نقاط تاریکی نیز رنج می‌برد، که به آن‌ها اشاره شده است. نقاطی که در شرایط کنونی نیز مبتلابه آن هستیم.

واژه‌های کلیدی: غرب، مدرنیته، سفرنامه‌نویسی، میرزا صالح، انگلیس

۵۵

بازتاب غرب و مدرنیته در سفرنامه میرزا صالح شیرازی ...

۱. مقدمه

انسان‌ها بدون ارتباط نمی‌توانند زندگی کنند؛ پیامد این ارتباط نیز وابستگی، تأثیرپذیری و تأثیرگذاری خواهد بود و غایت پیوستگی‌ها و رابطه‌ها، دگرگونی و تکامل فردی و همگانی و در نتیجه ترقی و توسعه جامعه است. کهن‌ترین عامل ارتباط درون‌گروهی را اگر زبان و گفت‌وگو بدانیم، سفر و در نتیجه تماس بین جوامع را دومین اصل ارتباط مؤثر می‌توان به حساب آورد.

همان‌طور که می‌دانیم نوشتن خاطرات یکی از ماندگارترین ارکان سفر به شمار می‌رود و می‌تواند فواید بسیاری برای خوانندگان آن در برداشته باشد.

یکی از جذاب‌ترین دلایل سفرنامه‌ها آشنایی با مناطق ناشناخته و دوردست بوده و هست اما وجه اساسی سفرنامه نویسی صرفاً نگارش و یا تشریح خاطرات وقایع شخصی حین سفر نیست، بلکه نوشتارهایی در اینجا قابلیت اساسی پیدا می‌کنند که علاوه بر این نکات، تجربیاتی آموزشی برای خوانندگان در مورد فرهنگ‌ها، خرده‌فرهنگ‌ها و وقایع به وجود آمده ارائه کنند تا شناخت مناسب‌تری دربارهٔ دنیای پیرامون ما ایجاد نمایند.

سفرنامه نویسی موقعیتی ارزشمند است که امروز بسیاری از بنگاه‌های بزرگ رسانه‌ای و تحقیقاتی جهانی را واداشته است که با هدفمند کردن این مقوله بسیاری از ظرفیت‌های ناشناخته جهان پیرامون ما را شکار نمایند.

با این وصف مسافران و سفرنامه‌هایشان دانسته یا ندانسته می‌توانند در تحول جوامع انسانی نقش مؤثری ایفا نمایند. جدا از تأثیرات فرهنگی متقابلی که پس از جنگ‌ها، مهاجرت‌ها و دادوستدهای بازرگانی پیش می‌آمد، مسافران همچون خبرنگاران امروزی بین تمدن‌های مختلف را در طول تاریخ بشر ارتباط برقرار کرده‌اند. بنابراین پژوهش درباره سفرنامه‌ها و بازشناسی آن‌ها- که خود آینه شفاف گذشته‌اند و تصویری واقعی از جامعه و فرهنگ را نشان می‌دهند- به‌عنوان ابزاری سودمند در خودشناسی تاریخی، امکان شناخت را نیز فراهم می‌کند. در سفرنامه‌ها، فضای سیاسی - اجتماعی، اقتصادی و به عبارتی حقایق پنهان آشکار می‌شود و در مواقع بسیاری، محدودیت‌های سیاسی و ملاحظات دیگر در نگارش آن‌ها کمتر مؤثر بوده‌اند، لذا واقعیت‌های بیشتری را از لابه‌لای آن‌ها می‌توان دریافت.

یکی از نقاط عطف سفرنامه‌نویسی ایران به دوره قاجاریه بازمی‌گردد. بیشترین مسافران و



فصلنامه علمی - پژوهشی
جمعیت تراست‌العلم الاسلامی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام

مأموران سیاسی در این زمان به اروپا رفتند، اما کمتر سفرنامه‌نویسی به علل واقعی پیشرفت‌ها و دگرگونی صنعتی کشورهای اروپایی توجه کرد و تنها به دیدن سطحی و توصیف ظاهر اشیاء غرب پرداخته و شگفت‌زده و حیرت‌آلود از روابط آزاد و بی‌دغدغه مردم سخن به میان آورده‌اند.

در فرهنگ غرب و مدرنیسم منشأ تمام احکام و دستورالعمل‌ها، بشر است و احکام دینی و آسمانی صرفاً از جهت تاریخی و اجتماعی اهمیت دارند. از قرن پانزدهم میلادی در اروپا نگاه جدیدی به جهان و ساحت‌های زندگی انسان به وجود آمد که به سرعت بسط و توسعه یافت. شاخصه این نگاه در پرتو رویکردی جدید به علم، انکار استعداد انسان در درک ساحت‌های معنوی عالم بود. هر آنچه قابل مشاهده و آزمون‌پذیر بود علمی و امور بی‌بهره از این ویژگی غیرعلمی و بی‌معنا تلقی می‌شد. این حرکت جدید فکری در مرزهای جغرافیایی اروپا باقی نماند. بلکه به اندیشه ملل دیگر نیز راه یافت. کشور ایران نیز از پیامدهای این اندیشه بی‌نصیب نماند. در جامعه ایران عهد قاجاریه برای نخستین بار افراد و گروه‌هایی به غرب سفر کردند که اغلب در رویارویی با فرهنگ غربی، بدون عنایت به بنیادهای نظری غرب، مجذوب ظاهر ثمرات، نحله‌ها، مکاتب و حتی آدابی می‌شدند که در ذهنشان مترادف با ترقی و پیشرفت علم و صنعت بود.

مروری بر آرای نخستین نسل از سیاحان ایرانی در عصر جدید غرب معلوم می‌کند که آنان در برابر پیشرفت‌های شگرف و دستاوردهای مدنی غربیان رویکردهای متفاوتی داشته‌اند. اگرچه این رویکردها از جهات مختلف قابل دسته‌بندی است؛ تسری برخی از توجهات تحسین‌آمیز، متحیرانه و مرعوبانه بر حوادث و تاریخ تحولات ایران تأثیری ویژه‌ای داشته است. به‌نحوی که تبعات و خسارات این تأثیر و تأثرات در اعصار بعدی تحولات ایران مشهود است.

البته دسته دیگری از تجددگرایان، به‌هیچ‌وجه فهمی رمانتیک و احساسی از مدنیت غرب نداشتند؛ بلکه ایده‌ها و هدف‌گذاری‌های آن‌ها تا حدودی درگیر علل و عوامل بازتاب مدنیت غرب بود و حتی روش‌هایی برای نوسازی فرهنگی مآبانه‌ی ایران نیز مطرح می‌کردند. از آنجاکه در این پژوهش، پرداختن به آرای متنوع و گسترده‌ی همه متفکران دوره مورد اشاره امکان‌پذیر نیست، لذا ضمن توجه به این دسته‌بندی و آنچه از سفرنامه‌نویسی به‌عنوان یک



ظرفیت علمی، اطلاعاتی و رسانه‌ای با سبک و سیاق دوره جدید انتظار می‌رود، به بررسی و نقد اثر یکی از چهره‌های شاخص در حوزه سفرنامه‌نویسی خواهیم پرداخت که در سفرنامه تدوینی خود با رویکردی خاص، غرب و مدرنیته را متبلور ساخته است.

علی‌ای حال با توجه به اینکه دوران قاجاریه، سرآغاز نفوذ ملموس استعمار و غرب در تاریخ ایران به شمار می‌رود و پرداختن به این موضوع از این باب که روابط ایران و غرب برای امروز ما مهم است ضرورت انجام این پژوهش را برای شناخت مخاطبین و پژوهشگران دوران حاضر بیشتر و دقیق‌تر خواهد کرد. راه‌های ورود استعمار به ایران و تأثیرات فرهنگی غرب در ایران و شناخت جامعه ایرانی در دوران موسوم به عصر بی‌خبری از اهداف فرعی این پژوهش به شمار می‌آید.

۲. چهارچوب مفهومی

۱-۲. غرب و مدرنیته

یکی از مفاهیمی که از ابتدای قرن ۱۹ در مواجهه جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی با دنیای جدید در ذهنیت ایرانی شکل گرفت و سپس با توجه به تلاش ایرانیان برای آشنایی با تحولات دنیای جدید و بررسی علل شکست خود از روسیه تزاری به‌مرور بار معنایی ایدئولوژیک هم پیدا کرد، مفهوم غرب است. غرب، به عبارتی دیگر تعبیر و تلقی جدید نسبت به عالم و آدم است که این تعبیر برای ایرانی‌ها هم به‌صورت محسوس در این دوره تعین خاص پیدا کرد؛ و ما آنچه از غرب مراد می‌کنیم همین ویژگی و تشخیص غرب و تمدن غربی است که آن‌ها را از سایر ملل جدا می‌کند با این نگرش به‌جای آنکه غرب به‌صورت جغرافیایی صرف از شرق جدا شود یک وجه ممیزه فرهنگی و تفکری برای آن قائل می‌گردد که سایر ملل و همه اقوام باید بیاموزند که چگونه به عالم نگاه کنند (داوری اردکانی، ۱۳۸۸، ص ۳۰)

مدرنیته نیز مفهومی است که تحولات علمی، فلسفی، فرهنگی و سیاسی غرب جدید را تبیین کرد. دوره و قلمرو تاریخی پژوهش حاضر، اوایل دوره تاریخی حکومت خاندان قاجار در ایران است که از سال ۱۲۱۰ ه. ق. با تلاش‌های آقامحمدخان سرسلسله این حکومت شکل گرفت و با عنایت به‌نظام سیاسی، هیأت حاکمه و معادلات بین‌المللی، عصر جدیدی در تحولات سیاسی ایران به‌حساب می‌آید.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

جمعه ترانست العالم الاسلامی

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۵۸

سال هفتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰

در این دوره بود که روسیه به دلیل ضعف شدید سلسله قاجار داعیه دسترسی به آب‌های گرم را داشت و لذا اولین جنگ ایران و روسیه با هدایت عباس میرزا نه سال به درازا کشید و در نهایت به شکست ایران و عهدنامه گلستان منجر شد. (کازم‌زاده، ۱۹۶۸: ۵) این دوره سرانجام در سال ۱۳۴۴ ه‍.ق با تأسیس حکومت پهلوی به پایان رسید.

۲-۲. سفرنامه و سفرنامه‌نویسی

اما سفرنامه‌نویسی یکی از سبک‌های ادبی است که دامنه کاربرد آن در همه شاخه‌های علمی گسترده شده است و از طریق آن بستری مناسب برای شناخت چگونگی شکل‌گیری هویت در وضعیت رویارویی با «دیگر» فراهم می‌شود. (کروین، ۱۹۸۷: ۵). در سفرنامه‌ها، مشاهدات، تجارب، وقایع و همه مواردی که در کشف سرزمین‌ها و مواجهات با فرهنگ‌های دیگر و سایر آثار تمدنی شکل می‌گیرد و از دیرباز تأثیرات شگرفی در تحول و تعالی اندیشه‌های بشری داشته است، به رشته تحریری درمی‌آید. مسلمانان هم به‌واسطه حضور در میدان فتوح و کشف سرزمین‌ها در سفرنامه‌نویسی ید طولایی دارند.

سفرنامه‌ها در حوزه مطالعات تاریخی به دلیل محتوای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، جایگاه ویژه‌ای دارند و در آن‌ها بازتاب سیاحت و سفر از خاطره‌نویسی صرف، مشاهدات ظاهری و شرح وقایع فراتر رفته است. سفرنامه‌نویسان با توجه به موقعیت‌ها و مأموریتی‌هایی که متقبل می‌شدند مشاهدات و مواجهات خود را با مذاقه بیشتری موردتوجه قرار می‌دادند و اگرچه در ظاهر برخی از آن‌ها به جهت مأموریت‌های سیاسی‌شان بیشتر نمود پیدا می‌کرد؛ ماحصل آن عمدتاً در چارچوب اهداف بلندمدت و در بررسی اوضاع جغرافیایی سرزمین‌های مربوط (تحت سفر) با آگاهی‌های دقیق و علمی همراه می‌شد و در اختیار کشور متبوعشان قرار می‌گرفت. البته این امر برای غربی‌ها پیشینه‌ای طولانی دارد به‌عنوان مثال، سفرنامه کلاویخو اسپانیایی یکی از اسناد گویای معادلات و مراودات اروپائیان و ایران در دوره امیر تیمور گورکانی است که شاید به‌عنوان یکی از الگوهای سفرنامه‌نویسی سرمشق تبیین‌کننده این رویکرد در اروپای جدید باشد.

1. Kazemzadeh
2. Corwin



گزارش‌های روی گونزالز کلاویخو^۱ نویسنده و جهانگرد اسپانیایی که فرستاده مخصوص هانری سوم پادشاه اسپانیا به نزد تیمور گورکانی بود، کلاویخو بیش از یک قرن پس از آنکه مارکوپولو نحوه راه یافتن به آسیای مرکزی را در کتاب معروف خویش بیان داشت به سوی سمرقند به راه افتاد (کلاویخو: ۱۳۳۷ ص ۱۱) از مایورکای اسپانیا تا سمرقند حاوی مشاهدات و تجربیات ارزنده و دقیقی از مسائل فرهنگی و امور اجتماعی و سیاسی است که حکایت از تغییرات اساسی در سبک و سیاق نگارش سفرنامه‌ها و موضوعات مربوط به آن است و چون این سفرنامه جزء اولین تجربیات سفرنامه‌نویسی دوره جدید است؛ عدم تسلط نگارنده آن به زبان فارسی سبب شده است تصویر دقیقی از جامعه ایرانی آن روزگار ارائه نشود اما علی‌ای حال سرآغاز تحول و بهره‌گیری از ظرفیت‌های این مقوله را در حد کفایت گوشزد می‌کند و علی‌رغم اینکه انعکاس اوضاع و تصویر وقایع جوامع بر یک قاعده واحد مبتنی نیست و تا حدودی ذائقه افراد هم در نگارش آن متفاوت می‌نماید؛ اما بعضاً رویکردهای بسیار متفاوت مثبت و منفی در آن مشهود است (تفاوت اساسی در صورت سفرنامه و یادداشت‌های جیمز موریه و سولینکوف روسی و سفرنامه ادوارد براون)؛ اما درونما و هدف‌گذاری‌ها، غالب سفرنامه‌ها در یک راستا قرار می‌گیرند و حتی اگر برخی از این سفرنامه‌ها در پرتو مأموریت‌های سیاسی ملحوظ نگردند با شیوه منش و روشی کاربردی (علمی) در جهت آشنایی مردم مغرب‌زمین با آداب و رسوم همه جلوه‌ها و ابعاد فرهنگی جامعه ایرانی موضوعیت اساسی پیدا می‌کنند.

بنابراین اگرچه سفرنامه‌های قرن ۱۹ به لحاظ زبان، شکل و ساختار بسیار متفاوت بودند؛ می‌توان آن‌ها در یک ساخت به‌منظور بهره‌برداری نظری قرار داد (گواگنینی^۲، ۱۹۴۹: ۱۵۱)

سفرنامه‌ها به جهت این‌که اغلب موضوعاتی اجتماعی و سیاسی دارند و حتی در دوره جدید به‌عنوان یکی از ابزارها، منابع و گنجینه‌های اطلاعاتی به‌شمار می‌آیند، از اهمیت بسیاری برخوردارند و نیز سفرنامه‌نویسان به لحاظ برخورداری از موقعیت‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی و... به موضوعات و ظرفیت‌هایی توجه کرده‌اند که اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش را دوچندان می‌کند.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام

۶۰

سال هفتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

1. Ruy González de Clavijo
2. Guagninni

۳. روش تحقیق

ماهیت پژوهش حاضر با عنوان «بازتاب غرب و مدرنیته در سفرنامه‌های ایرانیان در اوایل دوره قاجار»، «بنیادی» است که درباره برخی سفرنامه‌ها و اسناد و دست‌نوشته‌های به‌جای مانده، با معیار تاریخیچه سفرنامه‌نویسی و میزان هدف‌گذاری، عمق و شناخت دست‌اندرکاران و مأموران رسمی ایران آن دوره به نگارش درآمده است. در این رهگذر تبیین و تأثیرات سفرنامه میرزا صالح شیرازی بیشتر و دقیق‌تر مورد توجه قرار گرفته است.

همچنین روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای انجام گرفته و طبعاً از منابع کتابخانه‌ای سنتی و الکترونیکی، کتب و مقالات منتشره در مجلات و ... استفاده شده است. به‌طور کلی روش کار در این نوشتار، استناد به نوشته‌هایی درباره سفرنامه‌ها و تا حدی با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی تحلیلی صورت گرفته است.

۳. میرزا صالح شیرازی و سفر به غرب

میرزا محمد صالح شیرازی، در دستگاه عباس میرزا نایب‌السلطنه، سمت منشی‌گری داشت. چگونگی مهاجرت میرزا صالح و خانواده او از کازرون به تبریز درجایی نوشته نشده است. (شیرازی، ۱۳۴۷: ۱۵) شاید خود میرزا صالح «کلمه شیرازی را به خاطر شهرت بیشتر کلمه شیراز نسبت به کازرون به دنبال نام خود آورده باشد» (رائین، ۱۳۵۷: ۱۵). وی را باید از پیشگامان نظامات اداری جدید (دومین وزیر خارجه ایران)، صنعت چاپ و روزنامه‌نگاری در ایران به‌شمار آورد.

او به هنگام اقامت مستشاران نظامی انگلستان در آذربایجان از طرف عباس میرزا به سمت منشی سرگرد لیندزی افسر انگلیسی منصوب و بدین ترتیب دست‌نگار این افسر بریتانیایی شد. (همان: صص ۱۶ و ۱۵)

میرزا صالح سه سال پیش از عزیمت به فرنگ مأموریت یافت تا سرگور اوزلی، دومین وزیر مختار بریتانیا و همسر حامله‌اش را تا تهران همراهی کند. او ضمن انجام این کار، بارانمایی سفیر جدید و برادرش ویلیام اوزلی از سفر خود یادداشت‌برداری کرد و بعدها در سفر به فرنگستان از همان شیوه بهره جست. دقت میرزا صالح در جمع‌آوری اطلاعات و آمار مربوط به اصفهان و شهرها و آبادی‌های واقع در مسیر اصفهان تا تهران چنان بود که



ویلیام اوزلی در تألیف سفرنامه خود به برخی از یادداشت‌های پراکنده و بسیار ارزشمند میرزا صالح استناد می‌کند. (میرزا صالح، ۱۳۸۷: ۲۱ و ۲۲)

میرزا صالح به تقاضای ویلیام اوزلی که عازم تبریز و سپس انگلستان بود یادداشت‌های روزانه سفر اصفهان و تهران را در اختیار او قرار می‌دهد. ویلیام اوزلی از این یادداشت‌ها در جلد دوم و سوم سفر به کشورهای مختلف شرقی علی‌الخصوص ایران در سال‌های ۱۸۱۰ م. تا ۱۸۱۲ م. بهره گرفت و بر غنای اثر خویش افزود.

میرزا صالح شیرازی سه سال و یک ماه بعد به همراه چهار جوان دیگر و به سرپرستی سرهنگ دوم جوزف دارسی که در دارالسلطنه تبریز به قولنول خان شهرت داشت به انگلستان اعزام شد. از آنجایی که هم‌نشینی چندساله با فرنگیان و آشنایی با زبان آنان شوق فراگرفتن علوم و معارف جدید را در او برانگیخته بود به خود می‌گفت:

«چرا هرروز تحصیل تازه نکنم و چشم دل را اگر توانم نوری نبخشم... در دایره تحقیق داخل شده... تحصیل علمی کرده... از امورات روزگار اطلاعی به هم رسانیده، مراجعت به ایران کرده باشم.» (همان، ص ۲۵)

میرزا صالح پس از خروج از تبریز (۱۰ جمادی‌الثانی ۱۲۳۰ هـ ق) با تقلید از شیوه‌ای که از نگارش روزنامه اصفهان ویلیام اوزلی آموخته بود، به ثبت مشاهدات خود می‌پردازد. او برای کسب اطلاعات و مطالعه کتاب‌های تاریخی از هیچ فرصتی غفلت نمی‌ورزید. کتابی درباره وقایع اوضاع روسیه و دولت آن و طریق تعمیر و بنای پتربورگ را که ظاهراً چهار سال پیش منتشر شده بود از ویلیامسن، معلم زبان انگلیسی میرزا ابوالحسین خان به امانت می‌گیرد و برای ثبت مطالب مربوط به تاریخ شهر مسکو، سنت پترزبورگ، اقوام گوناگون، سرگذشت تزارها، حمله ناپلئون به امپراطوری روسیه و... در سفرنامه خود آن‌ها را ترجمه می‌کند. (همان)

همچنین تاریخ سیاسی، اقتصادی و نظامی بریتانیا از بخش‌های خواندنی سفرنامه میرزا صالح شیرازی است.

میرزا صالح برخلاف سایر اعضای هیأت اعزامی که مأمور به تحصیل علوم و فنون کاربردی نظیر طب، مهندسی، توپخانه و قفل‌سازی بودند، از سفر به انگلستان «آموختن زبان فرانسه و انگریزی و لاتین و حکمت طبیعی» (شیرازی، ۱۳۷۸: ۹۲) را دنبال می‌کرد که برای رجال دارالسلطنه در آن مقطع نامأنوس و غیرضروری می‌نمود. (همان، صص ۹۵ - ۹۴)

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد شکست‌های متوالی و تلخ ایران از سپاهیان روسیه تزاری که در دهه‌های نخستین سده نوزدهم میلادی اتفاق افتاد، ناکارآمدی و فرسودگی نظام سیاسی ایران را بیش‌ازپیش برای دولتمردان قاجار آشکار ساخت و ذهن برخی از آن‌ها را به لزوم اخذ برخی از مظاهر مثبت تمدن غرب متوجه گردانید.

در دوران قاجار ایران از یک‌سو در همه بخش‌های نظامی، اقتصادی و ... دچار ضعف بود و از سوی دیگر ناکارآمدی حکومت مرکزی در رویارویی با دولت‌های خارجی ایران را تحت فشار قرار داده بود و تلاش‌های عباس میرزا در راستای بهره‌گیری از رقابت‌ها و درگیری‌های میان روسیه و انگلیس بی‌نتیجه ماند. (کرزن، ۱۹۸۲: ۱-۴)

در نتیجه عده بسیار معدودی از آنان درصدد انجام پاره‌ای اصلاحات برآمدند. این عده به‌تدریج تمهیدات لازم را برای اعزام عده‌ای دانشجوی به اروپا فراهم ساختند و بدین ترتیب میرزا صالح به همراه چند تن دیگر به شرحی که اشاره می‌شود راهی دیار فرنگ شدند. (شیرازی، ۱۳۴۷: صص ۹ الی ۱۵)

سفر میرزا صالح شیرازی از دارالسلطنه تبریز شروع شد و از راه خشکی تا پترزبورگ و از راه دریا تا لندن ادامه یافت. مدت اقامت و تحصیل او در لندن سه سال و نُه ماه و بیست روز به‌دارازا کشید و در مراجعت به ایران از لندن تا اسلامبول از راه آب و سپس از راه خشکی سفر کرد.

این سفر در بیش از یک قرن و نیم پیش، یعنی در دوره‌ای صورت گرفت که از وسایل نقلیه مدرن خبری نبود و انسان هنوز در خشکی با اسب و گاری و در دریا با کشتی‌های معمولی و بادی مسافرت می‌کرد و البته مخاطرات سفر امید بازگشت مسافر را به وطنش منقطع می‌داشت. بدین ترتیب سفر میرزا صالح و همراهانش مدت زیادی به طول انجامید.

۴. نحوه زندگی نخستین گروه محصلان ایرانی در انگلستان

نحوه زندگی و تحصیل نخستین گروه محصلان ایرانی در انگلستان حاکی از بی‌توجهی مقامات ایرانی است. بی‌اعتنایی مطلق کارگزاران انگلیسی در انجام وظایفشان موجب شد که آن‌ها ماه‌ها پس از ورود به لندن همچنان در سرگردانی به سر برند و کلنل داری که مسئولیت



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسة العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های یاسی جهان اسلام

سرپرستی آن‌ها را بر عهده داشت برای عدم معرفی این محصلان به مراکز آموزشی هر روز به بهانه‌ای متوسل می‌شد و از همان لحظات آغاز سفر بنای ناسازگاری گذاشته به نحوی که اخلاق او در لندن تقریباً غیرقابل تحمل شده بود.

او در حضور عباس میرزا همه گونه وعده مساعدت داده بود اما با منفعت‌طلبی هزینه‌های گزافی بر دوش این محصلان گذاشت به گفته میرزا صالح «خراجات دو مقابل آنچه در ایران برآورده نموده بود، می‌باشد». (همان، ص ۱۶۹) و فرصت‌طلبانه «حکم رسمی سرپرستی دانشجویان ایرانی را اخذ کرد» اگرچه «برای تحقیر، اینان را بانام اطفال ایرانی» می‌خواند و بر طبق آن لاقبل سالیانه مبلغ سیصد تومان که پول معتناهی بود از دولت انگلیس دریافت می‌کرد. (همان)

داری هم در پرداخت پول به محصلان همچنان امساک می‌ورزید و آن‌ها قادر به خرید حتی یک جفت جوراب و دو هزار کاغذ هم نبودند. میرزا صالح که از زمان خروج از تبریز به چیزی جز آموختن زبان فرانسه و انگریزی و لاتین و حکمت طبیعی نمی‌اندیشید در جواب توییح و سرزنش اطرافیان مصلحت را در خودآموزی می‌دانست و می‌گفت:

«مالیخولیا پر زور است و دلم مایل به تحصیل... دو شال ترمه داشتم، در لندن فروخته ... و به معلم دادم. مال دیگر خود را فروخته به قدر هفتاد تومان انگریزی کتاب و اسباب کره و سایر ضروریات ابتیاع نمودم» هیچ دسته از محصلان اعزامی به خارج از کشور را نمی‌شناسیم که ضمن تحمل رنج و خفت تا به این مد مشتاق کسب علم و دانش باشند. (همان، ۱۷۰)

البته در این سفرنامه بعضاً برداشت‌های متناقضی هم وجود دارد به‌عنوان مثال میرزا صالح معتقد است در مدت اقامت در لندن دانشجویان ایرانی آبروی ایران را محفوظ می‌داشتند و حتی در سخت‌ترین اوقات، با اینکه می‌توانستند از راه تدریس زبان فارسی وجه قابل ملاحظه‌ای به‌دست آورند اما این کار را کسر شأن خود می‌دانستند. صالح دریکی از این موارد می‌نویسد:

«گفتم اگر دختر پادشاه هر درسی را یکصدتومان به بنده بدهد درس نخواهم داد. در این ولایت شهری یافته است که ولیعهد دولت ایران آدمی چند به ولایت فرستاده است که تحصیل علم کرده مراجعت کنند. که راضی خواهد بود که در میانه مردم شهرت یابد که نوکران پادشاه ایران از عنایت احتیاج بنا به تعلیم گذارده‌اند. این معنی را تعیین کند که در صورتی که از گرسنگی بمیرم راضی به بدنامی دولت نخواهم شد.» (همان، ص ۱۷۳)



اما درجایی دیگر صراحتاً اعتراف می‌کند اگر لازم باشد برای ادامه تحصیل هم لباس فرنگی به تن می‌کنم و هم‌ریش خود را می‌تراشم که البته این کار را هم انجام داد.

۵. یافته‌ها

۱-۵. تحلیل بازتاب فرهنگی مواجهات ایران و غرب در سفرنامه میرزا صالح

۱-۱-۵. مزیت‌های سفرنامه میرزا صالح در مواجهه با غرب

- توجه نسبی میرزا صالح به نهادها و مراکز علمی غرب

علاقه میرزا صالح به علوم و یادگیری آن و همچنین مأموریت و هدفی که وی در یادگیری «حکمت طبیعی» برای خود تعیین کرده بود، سبب شد تا وی برخلاف اکثر حاضران ایرانی در جوامع اروپایی نسبت به نهادها و مراکز علمی انگلستان بی‌تفاوت نباشد. اگرچه میرزا صالح قادر به درک رابطه علوم فلسفی و تفکرات زاینده آن با ترقی و دستاوردهای نوین جامعه انگلستان و به‌طور کلی جوامع اروپایی نیست؛ به‌رحال وی به‌عنوان نخستین ایرانیانی که به نهادهای فکری فلسفی جدید غرب توجه می‌کند، اطلاعاتی را در خصوص نحوه عملکرد «جمعیت فلاسفه لندن» ارائه می‌دهد:

«رایل سولیتی، خانه‌ای است، که همه‌ی فلاسفه لندنی در آن جمعیتی دارند، سرجوف بنک نامی، پیرمرد هشتادساله، جیرمن (چیرمن یا رئیس خانه) مزبور است. هرچه تازه اختراع شود و هر علمی و کتابی که تازه بنیاد شود، به نظر معزی الیه رسیده، یک دفعه به عزم دیدن او به خانه‌اش رفتم. در ساعت هفت از ظهر گذشته الی ساعت ده در خانه‌ی خود می‌نشست و مردم هر ولایت به خدمت او رفته از هر مقوله با او صحبت داشته و هرچه تصنیفات تازه در لندن شده، به نظر او می‌رسانند» (همان، ص ۴۱۶)

- برجسته کردن ظواهر غرب

همین امتیاز، سفرنامه او را از دیگر سفرنامه‌ها متمایز کرده است. او در سفرنامه خود به‌طور جدی ظواهر غرب را گوشزد می‌کند. به نظر می‌رسد او نخستین ایرانی است که ندانسته تحت تعلیم یک مأمور سیاسی انگلستان سفرنامه‌نویسی یاد می‌گیرد و از این بابت، سفرنامه او در میان متونی که با قلم یک ایرانی برای شناخت مغرب-زمین در اختیار داریم، جایگاه ویژه‌ای دارد و شاید این دلیل آشنایی قبلی وی با سرگور اوزلی باشد که قبلاً شرح آن بیان شد.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراست العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های یاسی جهان اسلام

- تدوین سفرنامه به کمک مطالعه کتاب‌های مختلف

ویژگی دیگر این سفرنامه این است که می‌توان آن را در شمار اولین کتب تاریخی مربوط به انگلیس به زبان فارسی دانست. گزارش میرزا صالح، صرف دیده‌ها و شنیده‌ها نیست؛ بلکه او با تکیه بر مطالعه کتاب‌های متعدد به دانش خود می‌افزاید؛ و در این گزارش شمه‌ای از تحولات مغرب‌زمین را می‌نویسد که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

- دیدگاه انتقادی در مورد ظواهر دینی در غرب

دیدگاه انتقادی وی درباره آئین کلیسا از نکته‌هایی است که میرزا صالح در مواردی چند به آن اشاره می‌کند. برای نمونه وی هنگامی که می‌خواهد درباره دین مسیح و چگونگی برخورد حاکمان کلیسا با مردم تحقیق کند به نکته‌های جالب و قابل توجه دست می‌یابد. میرزا صالح اظهار می‌دارد که کلیسائیان، افساری بر گردن مردم نهاده‌اند و آنان را به هر طرف که می‌خواهند می‌کشند وی اساس دین و دین‌داری را کالایی می‌داند که در میان اربابان کلیسا یافت نمی‌شود.

«... اعتقاد ایشان را گرچه قابل‌نوشتن نیست و بالجمله، اساسی که ایشان در پای کار آورده‌اند مختصراً افساری به گردن جهان ارامنه بستن و دراین‌بین اساس بزرگی به جهت خود چیدن و عوام را به قصه و داستان فریب دادن بوده است و ذره در دین و رویه عبارات از اشخاصی که در این کلیسای معبد عام به عبارت مشغول‌اند مشاهده نکردم.» (همان، ص ۲۹۸)

از این رو تصمیم می‌گیرد تا درباره پاره‌ای از مطالب آن دین تحقیق کند و سؤال‌هایی از کشیشان آنجا داشته باشد. میرزا صالح در پایان این سؤال و جواب به این نتیجه می‌رسد:

«الحق این نحو عبادت با بت‌پرستی مطلقاً تفاوتی در نظر بنده ندارد. به علت این که در بت‌خانه‌ها، بت‌پرستان سجده به بت کرده، صورت پرستند و در کلیسا سجده به اشکال متعدد کرده و حال اینکه هیچ‌کدام موافق واقع درست نیست.» (همان، ص ۵۰)

بنابراین انعکاس به واقعیت به‌دوراز تعصب، از روشن‌بینی این ایرانی حکایت دارد و از نقاط قوت گزارش سفر وی می‌تواند باشد.

میرزا صالح هنگامی که آئین کلیسا و آداب و رسوم آنان را می‌بیند، سؤالی در ذهنش نقش می‌بندد؛ تفاوت بت‌پرستی با آداب و رسوم کلیسائیان که نمادی از بت‌پرستی می‌باشد در چیست؟



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های باسی جهان اسلام

«از جمله چیزهایی که به نظر بنده عجایب آمد، ناقوس کلیساها است. در ولایت روس، هر یک از بزرگان که اظهار دین‌داری می‌کند ناقوسی به جهت کلیسا می‌سازد؛ و هر که را ارادت و اخلاص به دین عیسوی زیاده است، ناقوس آن بزرگ‌تر است. او را اعتقاد زیاده و شهرت آن در میانه مردم، بیشتر و عامه مردمان او را بیشتر احترام می‌کنند.» (شیرازی، ۱۳۶۲: ۸۶)

۲-۱-۵. معایب سفرنامه میرزا صالح در مواجهه با غرب

- فقدان طرح پرسش‌های بنیادین درباره تمدن غرب

میرزا صالح در سفرنامه‌اش علت انتخاب خود را برای اعزام و ادامه تحصیل به انگلستان اشتیاق خود برای آموزش (زبان انگلیسی، فرانسوی، لاتین) و موافقت می‌کند به همراه بقیه محصلان او را هم اعزام کنند. اگرچه میرزا صالح در تاریخ‌نویسی با عبور از تاریخ پادشاهان و پرداختن به طریق ترقی ممالک از تاریخ‌نویسی در ایران فراتر رفت اما همچنان تاریخ‌نویسی وی از طرح پرسش‌های بنیادین در خصوص جاری شدن نظام جدید در جوامع اروپایی و دستیابی این جوامع به مراتبی از تمدن که آن‌ها را از تمدن‌های دیگر متفاوت می‌کرد، عاجز است.

طرح این پرسش می‌توانست افق جدیدی از دید و آگاهی تاریخی در باب نحوه ظهور تمدن جدید و نسبت آن با تمدن‌های شرقی را فراروی ایرانیان بگشاید، اما بی‌توجهی و غفلت از این پرسش ذاتاً تاریخی، سبب شد مسئله به درک رایج از تاریخ یعنی سال وقوع حوادث و نقش سلاطین و بزرگان در حوادث تقلیل یافت. (منصور بخت، ۱۳۸۷: ۱۵۲)

- عدم درک ریشه‌های تحولات شکل‌گرفته در غرب

نهادهای مدنی و سیاسی شکل‌گرفته در غرب به‌عنوان یکی از محصولات و مظاهر تمدن جدید غرب منجر به ایجاد تغییرات اساسی در ساختار سیاسی جوامع اروپایی شده بود. این تغییرات از این حیث که نحوه‌ی اداره جامعه را در اروپا با ایران و سایر جوامع استبدادی متفاوت می‌کرد همواره توجه ناظران ایرانی تمدن جدید غرب را معطوف به خود می‌کرد یا حداقل جذابیت‌هایی را برای ایشان به همراه داشت.

میرزا صالح از درک ریشه تحولات شکل‌گرفته در غرب عاجز بود. او علی‌رغم مشاهده بسیاری از مظاهر تمدنی غرب و دستیابی به اطلاعات در نوع خود دست‌اول درباره جوامع



مترقی غرب، نسبتی میان پدیده‌ها و شرایط نوظهور شکل گرفته در غرب و شرایط حاکم بر جامعه‌ی ایران و برقرار نمی‌کند، در نتیجه نمی‌تواند نگاهی ناظر بر آینده و حل چالش‌های تمدنی ایران با غرب داشته باشد.

او فاصله ایجاد شده میان جامعه انگلستان و سایر جوامع عقب‌تر را فاصله در امتداد یک خط می‌داند که در صورت افزایش تلاش و جان‌کندن و خون‌دردن و خون ریختن، امکان رسیدن به آن وجود خواهد داشت.

«قواعد دولت داری و قوانین مملکت انگلند مخصوص است به خود انگلند. به این معنی که هیچ‌کدام از ممالک دنیا نه به این نحو منظم است و نه به این قسم مرتب. سال‌ها جان‌ها کتند خون‌دل‌ها خورده و خون‌ها ریخته‌اند تا که به این پایه رسیده است.» (میرزا صالح، ۱۳۸۸: ۴۲۹)

حضور به نسبت طولانی مدت میرزا صالح شیرازی در انگلستان این امکان را به وی داده بود که علاوه بر اطلاعاتی که از بطن کتب انگلیسی استخراج می‌کرد، توفیق مشاهده میدانی بسیاری از نهادها و مظاهر جاری تمدن غرب در انگلستان را به دست آورد. آشنایی با نحوه چاپ کاغذ اخبار که به واسطه آن «اموری در کل دنیا واقع شود» (همان، ص ۴۰۸)، منجر به پروراندن «خیال بردن چاپ و صنعت باشم» به ایران در نزد وی شد. (همان، ص ۴۹۰) تغییر شیوه تولید در کارخانجات انگلستان و جایگزینی دستگاه‌ها به جای قوای جسمانی «یک‌صد عمه» و همچنین استفاده از نیروی «گردش چرخ» و «قوت بخار» در فرآیند تولید صنایع و اجناس توضیح و تفصیل آن را برای میرزا صالح ناممکن می‌کند:

«دستگاه‌ها ساخته‌اند که به علت گردش چرخ و قوت بخار، کار یک‌صد نفر عمه را یک چرخ و سه نفر آدم می‌کند. تفصیل آن‌ها از برای بنده ممکن نیست.» (همان، ص ۴۱۶)

- عدم توجه به پیوند «دانش» غرب با روش «استعماری» آن

باید اذعان کرد که وی همانند بسیاری دیگر از پیشروان اندیشه نوگرایی در ایران از پیوند جدایی‌ناپذیر «دانش» و «کارشناسی غرب» با روش «استعماری» آن و خطری که این دو عامل همساز، نیرومند و فراگیر، جهان واپس‌مانده از جمله ایران را سخت مورد تهدید قرار می‌داد، هرگز سخنی هشداردهنده به میان نیاورده و برای رویارویی ایران با آن خطر، راه‌حلی سودمند و عملی پیشنهاد نکرده است؛ چون وی در انگلیس، عضو «انجمن فراماسون‌گری»



شد. آیا روی گردانی وی از سخن درباره استعمار بورژوازی غرب، زائیده سرسپردگی وی بدان سازمان نبوده است؟ (حائری، ۱۳۶۷: ۳۱۳) آیا عضویت وی همانند دیگر دوستانش در انجمن «فراماسونری» دلیلی بر این رویگردانی نمی تواند باشد.

- عدم توجه عمیق به ساختار سیاسی غرب

بحث از دگرگونی های حکومتی مغرب زمین، همه جای این سفرنامه را پرکرده! ولی درباره مبانی آن بحث نشده و تنها به روند تحولات بسنده شده است. میرزا صالح با تأکید بر این نکته که نظام حکومتی و نهادهای انگلستان «مخصوص است به خود انگلند»، از بحث در مبانی طفره می رود. (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۲۷۴).

- شرکت در مباحث و مجالس انحرافی مثل انجمن فراماسونری

میرزا صالح شیرازی در ضمن داستان خود به وسیله بعضی رجال خیراندیش وارد در انجمن فراماسون ها شده و خود در دو جای سفرنامه به این موضوع تصریح کرده و به تاریخ پنجشنبه بیستم رجب مطابق سیزدهم ماه مه ۱۲۳۳ ه ق می نویسد:

«... چون مدت ها بود خواهش دخول مجمع فراموششان را داشته فرصتی دست نمی داد

تا اینکه مستر پارس، استاد اول فراموشان را دیده که داخل به محفل آن ها شده باشم و قرار داد روزی را نمودند که در آنجا روم ... روز ۲۰ رجب مطابق با ۱۳ می به همراه مستر پارس و «دارسی» داخل به فراموش خانه گردیده شام خورده در ساعت یازده مراجعت کردم. زیاده درین باب نگارش جایز نیست...» (دوران، ۱۳۹۰)



۶. نتیجه گیری

دوره قاجار به دلیل رویارویی جدی ایران و جهان غرب دارای ویژگی‌های خاصی است. از یک طرف رقابت و کشمکش‌های موجود شرایط داخلی ایران را بعد از فروپاشی خاندان صفوی چندین دهه دچار کرد و از طرف دیگر غرب بعد از دوره رنسانس صرفاً به فکر بسط قدرت خود در حوزه‌های اقتصادی بود برای تحکیم و تداوم سلطه خود سعی داشت فرهنگ غرب را به شرق و بالأخص ایران تحمیل کند.

ایرانیان بعد از جنگ و شکست از روسیه وقوف پیدا کرده بودند که به مراتب در شرایطی نابرابر قرار گرفته‌اند لذا در مواقعی با دیدگان باز و در شرایطی چشم‌پسته به دنبال خروج از این شرایط بودند. بازخوانی دستاوردهای مثبت و منفی نسل ایرانی در آن دوره دست‌مایه و عبرت‌آموزی‌های فراوانی را در پی دارد.

همان‌طور که اشاره شد، میرزا صالح از درک ریشه تحولات شکل گرفته در غرب عاجز بود. او علی‌رغم مشاهده بسیاری از مظاهر تمدنی غرب و دستیابی به اطلاعات در نوع خود دست‌اول در خصوص جوامع مترقی غرب، تلاشی به‌منظور برقراری نسبتی میان پدیده‌ها و شرایط نوظهور شکل گرفته در غرب با جامعه‌ی ایران و شرایط حاکم بر آن صورت نمی‌دهد، در نتیجه نمی‌تواند نگاهی ناظر بر آینده و حل چالش‌های تمدنی ایران با غرب داشته باشد. او فاصله ایجاد شده میان جامعه انگلستان و سایر جوامع عقب‌تر را فاصله در امتداد یک خط می‌داند که در صورت افزایش تلاش و جان‌کندن و خون‌دل خوردن و خون ریختن، امکان رسیدن به آن پایه وجود خواهد داشت.

حال ما اگر بخواهیم بعد از گذشت حدود دویست سال، جریان‌شناسی و فضای آن دوره را تجزیه و تحلیل نمائیم؛ طیف‌های مختلفی از جریان‌ها، گروه‌ها و حتی افراد به‌صورت مثبت و منفی مطرح می‌شوند اما اگر رویکرد ما فارغ از نگاه مثبت و منفی به این جریان‌ها باشد می‌توان عنوان نمود که در دو سده اخیر هیچ‌گاه در ذهن ما ایرانیان غالب بودن و تفوق غرب به‌صورت ماهوی کنکاش نشده چراکه مثال‌های تاریخی فراوانی در دست است که نشان می‌دهد برخی از نخبگان سیاسی آن دوره در مواجهه با غرب، تنها به شناخت در حد دانستن اطلاعات و اخبار صرف به‌صورت ظاهری بسنده و آن را به‌عنوان آگاهی کامل از تمدن غربی تلقی می‌کنند البته افراد و جریان‌هایی هم با حیرت‌زدگی همه‌چیز را از دست‌رفته می‌دانستند و با مواجهه با این قدرت سهمگین نسخه تقلید همه‌جانبه و از فرق سر تا نوک پا را پیشنهاد



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه نشریات اعلام اسلامی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

می‌کردند. اگرچه جریان‌های اصیلی هم بودند که با تکیه به سنت‌ها، هنجارهای فرهنگی و داشته‌های بومی به دنبال تجدیدقوا و هویت‌یابی دینی و ملی بودند که در مبحثی جداگانه به آن پرداخته خواهد شد.

علی‌ای حال بدون آنکه قضاوت کنیم نگاهی به پیشینه برخی از این افراد و مقایسه آن با هم‌طرازان غربی آن‌ها، عیارسنجی مناسبی در اختیار مخاطب قرار می‌دهد و روشن می‌کند که چگونه اینان به‌عنوان نماینده نسل آن دوره ایران برای رسیدن به مقاصد کوتاه‌مدت خود بدون هیچ کنکاش و تعلق‌خاطری به همه داشته‌های فرهنگی خود پشت نموده و درگشت و گذار و مأموریت‌های رسمی خود طی مواجهه با زرق‌وبرق تمدن جدید و نوپای غربی (در آن دوره) زانو می‌زنند و در همه شئون تبعیت بی‌چون‌وچرا را پیشنهاد می‌کنند.

به‌هرروی بررسی برخی اسناد و دست‌نوشته‌ها و سفرنامه‌های به‌جای مانده از آن دوره و مقایسه آن با برخی از نمونه‌های غربی آن، میزان هدف‌گذاری و عمق و شناخت دست‌اندرکاران حوزه‌های سیاست خارجی و مأموران رسمی ایرانی آن دوره را برای نسل حاضر بیشتر نمایان می‌سازد.



منابع

- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۷). نخستین رویارویی اندیشگران ایران با رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران، امیرکبیر. داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۸). درباره غرب، تهران: هرمس.
- دوران (فروردین ۱۳۹۰). ماهنامه الکترونیکی تاریخ معاصر ایران. پایگاه جامع تاریخ معاصر ایران شماره ۶۵: <http://dowran.ir/show.php?id=188290016>.
- رائین، اسماعیل (۱۳۵۷). میرزا ابوالحسن خان ایلیچی، تهران: نشر علمی.
- شیرازی، صالح (۱۳۶۲). گزارش سفر، تهران: راه نو.
- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۸۶). دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران، تهران: نگاه معاصر.
- کلاویخو، روی گونزالس (۱۳۳۷). سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: بنگاه نشر.
- منصور بخت، قباد (۱۳۸۷). «نخستین دریافتهای ایرانیان از تمدن جدید و تأثیر نظری و عمل آن در الگو نوسازی امیرکبیر»، فصلنامه تاریخ ایران.
- میرزا صالح شیرازی، (۱۳۴۷). سفرنامه، به اهتمام اسماعیل رائین، تهران: انتشارات روزن.
- Corwin, Joan (1987). «Identity in the Victorian Travel Narrative», PhD Diss. Indiana University.
- Curzon, George (1982). *Persia and the Persian Question*, London: Longmans.
- Guagninni, Elvio (1994). «New and Traditional Forms of Nineteenth-Century Travel Literature», *the Motif of the Journey in: Nineteenth-Century Italian Literature*, Gainesville, FL: University Press of Florida.
- Kazemzadeh, Firouz (1986). *Russia and Great Britain in Persia, 1846-1914*, New Haven, CT: Yale University Press.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام
جمعیت نرست العالم الاسلامی

۷۲

سال هفتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۶

DOI: 10.21859/prw-070303

به این مقاله این گونه استناد کنید:

زیویار، فرهاد (۱۳۹۶)، «بازتاب غرب و مدرنیته در سفرنامه میرزا صالح شیرازی (تحلیل و نقد تاریخی جریان اصلاح فرهنگی در مواجهات ایران و غرب)» فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۷، ش ۳، پاییز ۹۶، صص ۷۲-۵۵.